

عنوان مقاله:

بررسی ساخت آغازگری در متون فارسی میانه از منظر فرانقش متنی رویکرد نقشگرایی هلیدی

محل انتشار:

دوفصلنامه علم زبان، دوره 10، شماره 18 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسنده:

زهرا رضائی - دانش آموخته کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان های باستانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

این پژوهش می‌کوشد تا به بررسی برخی ویژگی‌های متنی در متون دوره میانه زبان فارسی بپردازد. پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ای را برای مقایسه متون دوره‌های پیشین زبان فارسی با فارسی امروز فراهم آورد. بر اساس چنین دستاوردهایی، می‌توان بررسی کرد که در سطح بازنمایی ساخت آغازگری و نحوه چینش پیام چه تغییراتی در روند تکوین زبان فارسی صورت گرفته است. بنا بر نظر هلیدی متیسون، آغازگر نقطه عزیمت پیام است و جایگاه بند را در درون متن تعیین می‌کند. به منظور انجام پژوهش حاضر، متن روایی کارنامه اردشیر بابکان و متن اندرزی دینکرد ششم انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهند که بیشترین بسامد وقوع آغازگر در هر دو متن، متعلق به آغازگرهای مرکب و بی‌نشان است و بسامد آن در هر متن تقریباً ۶۵٪ است. در این میان، الگوی «آغازگر متنی (ساختاری) + آغازگر مبتدایی» بالاترین درصد وقوع را دارد. باتوجه به این امر می‌توان ادعا کرد که در این دوره برای آغاز پیام غالباً از این الگو استفاده می‌شده است. درصد وقوع آغازگرهای بینافردی (وجه) در کارنامه اردشیر بابکان بسیار پایین است، باوجوداین، درصد وقوع این آغازگر در دینکرد ششم قابل توجه است. نکته قابل تامل دیگر در متن دینکرد ششم وجود آغازگرهای گسسته است، یعنی بخشی از آغازگر در ابتدای جمله می‌آید و پس از آن اجزای دیگر جمله قرار می‌گیرند؛ ادامه آغازگر بعد از اجزای دیگر جمله می‌آید. همچنین، بررسی ویژگی نشاننداری و بی‌نشانی در فارسی میانه و مقایسه آن با فارسی امروز نشان‌دهنده تغییر در گروه‌های نشاننداری و بی‌نشانی در زبان فارسی است. این امر می‌تواند زمینه را برای مطالعات شناختی بازکند.

کلمات کلیدی:

رویکرد هلیدی، آغازگر ساده، آغازگر مرکب، بی‌نشان، نشاندار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1914571>

